

موقعیت و مبانی ارزش گذاری محیط زیست و لزوم مقابله با آلاینده‌ها در فقه اسلام

جلیل امیدی* / فرهاد یوسفی پور**

چکیده

در تحلیل فقهی، محیط زیست در شمار ارزش‌هایی است که در چارچوب مقاصد شریعت حفظ آنها ضروری و مقابله با هر نوع تهدیدی علیه آنها الزامی است. تأمین و تداوم مصالح مقصود شرع که در سه سطح ضروریات، حاجیات و تحسینات دسته بندی می‌شوند، به نوعی با حمایت از محیط زیست ملازمه پیدا می‌کند. مصلحت را محافظت از مقاصد شرع و سد ذریعه را تحریم رفتارهای مضر به مصالح مشروع؛ دانسته‌اند. بر این اساس مصلحت و سد ذریعه را می‌توان دو مبنای تئوریک ارزش گذاری محیط زیست و دفع مفاسد و مضرات از آن دانست. این نظریه‌ها که البته پیوند آشکاری با قوعدی چون «لاضرر» دارند، در مجموع می‌توانند مبنای شرعی برای تدوین یک نظام ملی پایدار و فراگیر دربارهی محیط زیست و پستوانه‌ای اسلامی برای مشارکت فعال در برنامه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مربوط به محیط زیست به دست دهند.

کلیدواژه: فقه، محیط زیست، مصلحت، سد ذریعه، لاضرر

* دانشیار حقوق جزا دانشگاه تهران، نویسنده مسئول jalilomidi@yahoo.com

** دانشجوی دکتری دانشگاه تهران

تاریخ وصول: ۹۱/۴/۲۷ - پذیرش نهایی: ۹۱/۱۲/۲۶

۱- طرح بحث

یکی از دغدغه‌های اساسی بشر در دنیای معاصر حفظ محیط زیست است. کوشش‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی برخاسته از این نگرانی در مجموع به تدوین یک نظام حقوقی موسوم به حقوق محیط زیست منجر شده است. اهمیت این نظام حقوقی که در دایره‌ی نسل سوم از نسل‌های سه‌گانه‌ی حقوق بشر قرار می‌گیرد در آن است که از سویی به منظور رویارویی با مشکلی پدید آمده است که کمابیش دامنگیر همه‌ی افراد بشر است و اختصاص به جوامع و افراد خاصی ندارد و از سویی دیگر قواعد و مبانی و عناصر و اهداف آن نه تنها اثری نامطلوب در باورها و برداشت‌های فرهنگی و عقیدتی جوامع بشری ندارد، بلکه به سادگی و روشنی می‌توان قواعد و مبانی و عناصر و اهداف چنین نظامی را از بطن ادیان و عقاید و فرهنگ‌های الهی و بشری به ویژه دین جامع و جهان شمولی چون اسلام باز جست. با استمداد از مجموع آیات، احادیث و قواعد و مبانی اسلام می‌توان به طرح این فرضیه پرداخت که در این آیین آسمانی، محیط زیست از جمله‌ی ارزش‌ها یا مصالح معتبر و قابل حمایت محسوب می‌شود و هرگونه اقدام علیه آن مادام که مقتضای مصلحتی برتر نباشد، محکوم به رد است.

در جهان‌بینی اسلامی به حکم آیات قرآن عناصر سازنده‌ی جهان هستی همگی نشانه‌های خداوند هستند (بقره/۱۶۴؛ آل عمران/۱۹۰؛ یونس/۶؛ رعد/۲). بر انسان واجب است که در آسمان‌ها و زمین و ستارگان و گردش شب و روز و خلقت گیاهان و جانوران و رودها و کوه‌ها و روابط بین این موجودات تدبیر و تفکر نماید (جاثیه/۱۳؛ روم/۸؛ آل عمران/۱۹۱) و از راه این تدبیر و تفکر این واقعیت را در می‌یابد که همه‌ی مخلوقات خواسته یا ناخواسته مطیع قوانین (سنن) خداوند هستند (حج/۱۸). خداوند انسان را از عناصر موجود در محیط آفریده و آبادانی همین محیط را به او واگذار کرده است (هود/۶۱) و محیط زیست انسان را به طور متوازن و خالی از نقص و خلل آفریده است. (نمل/۸۸؛ سجده/۷). قرآن مجید به آثار آرامش بخش و نشاط آفرین جلوه‌های طبیعت

(نحل/۶) و زیبایی و بهجت آفرینی گیاهان اشاره کرده است (ق/۷). از دیدگاه قرآن همه جنبندگان و پرندگان گروه‌هایی همانند گروه‌های انسانی هستند (انعام/۳۸) و فساد و تباهی در زمین و صدمه به کشتزارها و گونه‌های گیاهی و جانوری از اعمال غیر متدینان به حساب می‌آید (بقره/۲۰۵). از راه استقراء و تأمل در مجموع آیات و احادیث و ضوابط و مبانی کلی می‌توان دریافت که محیط زیست در تحلیل‌ها و برداشت‌های اسلامی مفهومی موسع و ذوالابعاد دارد.

۱-۱- گستره مفهومی محیط زیست

در تعریفی اجمالی گفته شده است: به محیطی که فرایند حیات را دربر گرفته و عناصر موجود در آن بر همدیگر تأثیر و تأثر دارند، محیط زیست گفته می‌شود (مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی- محیط زیست/۶/۱). با کمی تفصیل می‌توان گفت: محیط زیست عبارت است از مجموعه‌ی شرایط و عناصر و اوضاع و احوال طبیعی که به نحوی از انحاء در بقا یا سلامت یا زیست بهتر و زیباتر انسان و دیگر گونه‌های جانوری و گیاهی مؤثر است. این مفهوم چنان که پیداست اولاً- بر محیط طبیعی و عناصر و مؤلفه‌های آن نظیر آب، خاک و هوا متمرکز است و ثانیاً- گستره‌ای قابل ملاحظه دارد و از عناصر و شرایط لازم برای بقای حیات گرفته تا اوضاع و احوال راجع به آرامش و آراستگی همه را در برمی‌گیرد. محیط زیست در مفهوم موسعی که گفته شد، به دیدگاه اسلامی و تازه‌ترین مطالعات و تحقیقات حقوقی نزدیک‌تر است. چنین مفهوم گسترده‌ای است که در گفتمان اسلامی یک ارزش یا مصلحت عمومی محسوب می‌گردد و از این رو لازم است در مقابل تجاوزات افراد و تعرضات طبیعی حمایت شود هر چند سبب سلب یا محدودیت بعضی مصالح جزئی تر مانند برخی از حقوق و آزادی‌های فردی شود، چرا که استفاده از حقوق و آزادی‌های فردی مقید به حفظ مصالح عمومی است (مکارم شیرازی، القواعد الفقهیه/۲۹-۴۲؛ بجنوردی، القواعد الفقهیه/۲۰۷/۱؛ رعایه البیئه فی شریعه الإسلام/۴۲). این ادعا به شرحی که خواهد آمد مبانی و مستندات فراوان دارد.

۱-۲- حقوق موضوعه و حقوق محیط زیست

در گفتمان حقوقی امروز از محیط زیست به عنوان حقی از حقوق بشر یاد می-شود و در نسل سوم از نسل‌های سه گانه این حقوق مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای انبوهی از معاهدات، توصیه‌ها، کنفرانس‌ها و برنامه‌های عمل در باره ابعاد گوناگون محیط زیست به تصویب رسیده یا برگزار شده‌است. (مولایی، «نسل سوم حقوق بشر»/۲۷۴). در حقوق موضوعه‌ی ایران در سطح تقنینی مسأله مورد اهتمام ویژه قانون‌گذار واقع شده‌است. قوانین بالادستی از جمله قانون اساسی در اصل پنج‌گانه، سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی نظام، قوانین راجع به برنامه‌های پنج ساله توسعه من جمله قانون برنامه پنجم مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ در مواد ۱۸۷ تا ۱۹۳ طی عباراتی عام‌الشمول همه‌ی ابعاد محیط زیست را مورد حمایت و تحت نظام حقوقی مشتمل بر تدابیر اجرایی، قضایی، اقتصادی و فرهنگی منسجم در آورده‌اند.

در راستای قوانین و سیاست‌های کلی فوق، قوانین و مقررات عادی درخور توجهی در این باره به تصویب رسیده‌اند. این قوانین و مقررات در وجه ایجابی خود، به صورت کنشی، برنامه‌های حمایتی و معطوف به حفظ و توسعه محیط زیست را مورد حکم قرار داده‌اند و در بعد سلبی در قالب سیاست‌های واکنشی به پیش‌بینی تدابیر تنبیهی پرداخته‌اند و در موارد متعدد تا حد اعمال ضمانت اجراهای کیفری در حق متعرضان به این محیط پیش رفته‌اند. از آن جمله است قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶، لایحه‌ی قانونی حفظ و گسترش فضای سبز مصوب ۱۳۵۹، قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶، قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ و اصلاحی ۱۳۷۱، قانون نحوه‌ی جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴، آیین‌نامه‌ی جلوگیری از آلودگی آب مصوب ۱۳۷۱، قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی مصوب ۱۳۷۱، قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی مصوب ۱۳۷۴ و فصل پنجم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵. دکترین حقوقی کشور نیز به تبع

تحولات جهانی کمابیش در این باره به مطالعه و تحقیق پرداخته‌است. به نحوی که می‌توان گفت در حال حاضر نظامی به نام نظام حقوق محیط زیست و حتی به نحوی جزئی‌تر حقوق کیفری محیط زیست در کشور در حال شکل‌گیری است.

۱- موقعیت و مبانی ارزش‌گذاری محیط در اسلام

۱-۲- موقعیت

اهمیت محیط زیست و لزوم حمایت از آن در اسلام به نحوی است که می‌توان گفت همه‌ی شاخه‌های علوم اسلامی به نوعی با آن مرتبط هستند، علوم قرآن و سنت، عقیده، اخلاق، فقه، اصول فقه، هر کدام به نوعی با آن ارتباط دارند. مخصوصاً علم فقه که ارتباط انسان با پروردگار و با خود و با خانواده و جامعه و جهان پیرامون را تنظیم می‌نماید. فقهای اسلام تأکید کرده‌اند که فقه اسلامی بر همه‌ی افعال و احوال بشر، حاکم است به طوری که هیچ فعلی از افعال و هیچ حالی از احوال انسان خارج از احکام شرعی نیست. این احکام همه‌ی امور مربوط به زندگی انسان در همه‌ی زمینه‌ها از جمله عبادت، اخلاق، سیاست، اقتصاد و فرهنگ را شامل می‌شوند (رعایه البیئه فی شریعه الاسلام/۳۸). ناگفته پیداست که همه‌ی این حوزه‌های زندگی این جهانی بشر کم و بیش به گونه‌ای به محیط طبیعی پیرامون بشر و عناصر سازنده‌ی آن مربوط می‌شوند.

از جمله اقدامات اسلام برای بهبود وضعیت محیط زیست، تأکید بسیار زیاد بر بهداشت است. بهداشت از دیدگاه اسلام، عبادت و قربت و حتی فریضه‌ای بر هر مسلمان است. کتاب‌های فقه اسلامی با بخش طهارت شروع می‌شوند. طهارت کلید نماز است مسلمانان برای ادای نماز باید از حدث اکبر و اصغر پاک باشند و از شروط صحت نماز پاکیزگی لباس و بدن و محل نماز است (المغنی/۱/۱۲۰؛ مغنی المحتاج/۱/۱۸۸؛ شرائع الاسلام/۱/۴۳). آیات و احادیث فراوانی در لزوم طهارت و پرهیز از پلیدی و زشتی وارد شده است به عنوان مثال در قرآن کریم آمده است: **وَ اللّٰهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ**

(توبه/۱۰۸) (و خداوند پاکیزگان را دوست می‌دارد.) و پیامبر(ص) فرموده‌اند: الطهور شرط الایمان. «پاکیزگی نصف ایمان است». (الجامع الصحیح/۱/۱۴۰؛ سنن البیهقی الکبریٰ/۴۲/۱؛ مسند أحمد بن حنبل/۳۷/۵۳۶).

چنان‌که می‌دانیم در مخاصمات ملی و بین‌المللی آسیب‌های فراوان و سترگی به محیط زیست وارد می‌شود اما اسلام در مقوله‌ی جهاد، عدم تعرض به محیط زیست توسط مسلمانان در اثنای جنگ را از جمله‌ی احکام الزامی قرار داده است (الکافی/۵/۲۹؛ تهذیب الاحکام/۱۳۸/۶؛ سنن البیهقی الکبریٰ/۹۱/۹؛ مصنف عبد الرزاق/۲۰/۵؛ کنز العمال/۴۷۸/۴) تنها در هنگام ضرورت به اندازه‌ی رفع ضرورت می‌توان از این حکم تخطی کرد (المغنی/۱۰/۵۰۱؛ تهذیب الأحکام/۱۳۸/۶؛ الکافی/۵/۲۹؛ شرائع الاسلام/۲۳۷/۲؛ مغنی المحتاج/۴/۲۲۷).

در اسلام توصیه شده است که افراد سالم و بیماران مسری با همدیگر اختلاط ننمایند، تا بیماری به آن‌ها سرایت نکند. پیامبر(ص) فرموده‌اند: فروا من المجذوم فرار کم من الأسد. «چنان‌که از شیر می‌گریزید، از فرد مجذوم بگریزید» (الجامع الصحیح المختصر/۵/۱۵۸؛ الخصال/۲/۵۱۲؛ مصنف عبد الرزاق/۱۰/۴۰۵؛ سنن البیهقی الکبریٰ/۷/۱۳۵). در مورد طاعون نیز که یک بیماری همه‌گیر است فرموده‌اند: «إذا سمعتم به بأرض فلا تقدموا علیه و إذا وقع بأرض و أنتم بها فلا تخرجوا فراراً منه: اگر شنیدید در جایی طاعون آمده است به آن‌جا نروید و اگر در محل سکونت شما طاعون آمده بود، به خاطر فرار از مریضی، از آن خارج نشوید» (سنن ابی داود/۳/۱۵۳؛ الجامع الصحیح المختصر/۳/۱۲۸؛ الجامع الصحیح/۷/۲۶؛ مسند أحمد بن حنبل/۳/۲۱۲). پیامبر(ص) فرموده‌اند: «لا یوردن ممرض علی مصحّ: مالکان دام‌ها در هنگام آب دادن، نباید دام‌های مریض را بر دام‌های سالم وارد کنند» (الجامع الصحیح المختصر/۵/۲۱۷؛ الجامع الصحیح/۷/۳۱؛ سنن ابی داود/۴/۲۴؛ مسند أحمد بن حنبل/۱۵/۱۴۹).

پیامبر(ص) در مورد رفع اسباب ایداء از راه‌ها فرموده‌اند: «الایمان بضع و سبعون شعبه، أفضلها لا اله الا الله و أدناها اماطه الأذى عن الطريق والحیاء شعبه من الایمان: ایمان هفتاد و چند شعبه دارد که برترین آن‌ها لا اله الا الله است و کم‌ترین آن ازاله‌ی

موانع از سر راه‌هاست و حیا هم شعبه‌ای از ایمان است» (سنن ابن ماجه/۲۲/۱؛ الجامع الصحیح المختصر/۸۷۰/۲؛ الجامع الصحیح/۴۶/۱؛ مسند أحمد بن حنبل/۴۹۶/۱۴) و «إماطة الأذى عن الطريق صدقه: برطرف کردن آنچه در سر راه موجب اذیت مردم است صدقه محسوب می‌شود» (الجامع الصحیح المختصر/۸۷۰/۲؛ الخصال/۳۳/۱). این احادیث که رفع همه اسباب ایزاء را در ردیف کلمه‌ی توحید از شعب ایمان و نوعی عمل شایسته به حساب می‌آورند، بیانگر اهمیت قابل ملاحظه‌ی محیط پیرامون انسان، در آموزه‌های اسلامی است.

علم قواعد فقه نیز با حفاظت محیط زیست و مبارزه با آلاینده‌ها ارتباط نزدیکی دارد. از جمله قواعد مشهوری که در این زمینه می‌توان به طور مستقیم از آن‌استمداد کرد. قاعده‌ی لاضرر و لاضرار است که خود، نص حدیث نبوی است (مسند أحمد بن حنبل/۴۳۸/۳۷؛ سنن ابن ماجه/۷۸۴/۲؛ سنن الدارقطنی/۷۷/۲۲،۳/۴؛ سنن البیهقی الکبری/۶۹/۶). و مبانی قرآنی هم دارد؛ یعنی آیات متعددی از قرآن ضرر و ضرار را نفی نموده‌اند از آن جمله است آیات (نساء/۲۹)؛ (بقره/۱۹۵)؛ (بقره/۲۳۳ و ۲۸۲).

تبیین‌های مختلفی از مفاد قاعده لاضرر به عمل آمده است؛ از جمله نفی حکم ضرری، نفی ضرر از راه نفی موضوع، نفی ضررهای غیر متدارک و نهی از ایراد ضرر (رساله لاضرر/۳۰). تبیین‌های مورد اشاره هر کدام به نوعی به حفظ محیط زیست به عنوان منفعت یا مصلحتی عمومی و لزوم دفع یا رفع ضرر از آن مربوط می‌شوند. چه لفظ «لا» مذکور در صدر قاعده، مفید نفی حکم یا نفی موضوع باشد و چه مراد از آن نهی از ایراد ضرر، هر نوع تعرض زیانبار به محیط زیست که محل تعلق و اجتماع حقوق آحاد افراد است، شرعاً ممنوع و قابل تعقیب و تدارک خواهد بود. قاعده‌ی مورد بحث البته بیشتر بر وجه سلبی موضوع یعنی حرمت رفتار زیان بار به محیط دلالت دارد ولی از راه همین دلالت می‌توان نتیجه گرفت که وجه ایجابی آن یعنی محافظت از محیط زیست هم مورد التفات و اعتبار شارع بوده است. اگر ایراد ضرر به موضوعی شرعاً ممنوع باشد، معلوم می‌شود که آن موضوع در دیدگاه شرعی خود یک ارزش قابل حمایت

است. چه در سیره عقلا و فهم و تفاهم متشرعه هر جا منعی و عقابی هست حکماً پای ارزشی قابل حمایت در میان است.

مفسران قرآن هم از راه تفسیر آیات به قاعده حرمت افساد به طور کلی، دست یافته‌اند؛ چنان که در تفسیر آیه *لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا* (اعراف/۵۶) (در زمین بعد از اصلاح آن، فساد و تباهی مکنید.) گفته‌اند: این آیه از ماهیت یا جنس فساد در زمین نهی نموده است و هم‌ی انواع افساد از جمله افساد نفوس و انساب و اموال و عقول و ادیان را در بر می‌گیرد و اگر برخی از مفسران در تفسیر این آیه، انواع مخصوصی از فساد را ذکر می‌نمایند، از باب تمثیل است چرا که دلیلی برای تخصیص افساد به انواع خاصی از آن وجود ندارد (البحر المحیط/۴/۳۱۳؛ المیزان فی تفسیر القرآن/۱/۱۸۸؛ روح المعانی/۸/۱۴۰).

به نظر بعضی از معاصران در دیدگاه اسلامی فساد بر دو قسم است: فساد معنوی که در حوزه‌ی عقیده و اخلاق رخ می‌دهد و هر نوع انحراف از عقاید توحیدی و اصول اخلاقی را شامل می‌شود. و فساد مادی که همه‌ی اشکال تعرض به محیط پیرامون بشر اعم از محیط‌های اجتماعی و طبیعی از جمله استفاده‌ی نادرست و زیانبار از منابع و امکانات را در بر می‌گیرد (رعایه البیئه فی شریعه الاسلام/۲۲۰-۲۳۱). بر این اساس می‌توان گفت که در بینش اسلامی اولاً- محیط زیست از اهمیت و ارزش اساسی برخوردار است و ثانیاً- محیط زیست و مصادیق تعرض به آن از گستره‌ای وسیع‌تر از مفهوم حقوقی آن برخوردار است و هر آن چه به حیات معنوی و مادی انسان مربوط می‌شود در گستره‌ی مفهومی چنین اصطلاحی قرار می‌گیرد و هر چه تهدیدی علیه معنویت، باورها و فضائل اخلاقی یا عناصر تأمین‌کننده زندگی مادی انسان به حساب آید، آلاینده چنین محیطی قلمداد می‌شود و مقابله با آن به تکلیف فردی و اجتماعی مسلمانان تبدیل می‌گردد.

۲-۲- مبانی ارزش‌گذاری

دانشمندان اسلامی پس از تحقیق و استقرا به این باور رسیده‌اند که احکام اسلام بالجمله معطوف به تأمین مصالح معقول مردم هستند. از میان مصالح مورد نظر که در

یک تقسیم کلان به سه دسته‌ی ضروریات، حاجیات و تحسینات تقسیم می‌شوند، پنج مصلحت ضروری حائز کمال اهمیت هستند؛ دین، نفس، نسل، مال و عقل (الموافقات/۲۰/۲؛ قواعد الأحكام فی مسائل الأنام/۹/۱؛ المستصفی من علم الأصول/۳۷۹/۱؛ الأصول العامه للفقہ المقارن/۶۷؛ مباحث الحکم عند الأصولیین/۱۴۰). مصلحت ضروری آن است که برای برپایی و بقای زندگی دنیوی لازم باشد به طوری که عدم آن، باعث اضمحلال زندگی یا وقوع اختلال اساسی و غیر قابل جبران در آن شود (المستصفی من علم الأصول/۳۷۹/۱؛ الموافقات/۱۸/۲). حمایت از محیط زیست برای حفظ ضروریات پنجگانه لازم است چرا که عدم حمایت و خصوصاً اقدام علیه این محیط، موجب فوت یا اختلال آن ارزش‌هاست. حاجیات مصالحی هستند که وجودشان موجب تسهیل و تمشیت طبیعی جریان امور و فقدانشان مایه‌ی وقوع در مشقت و عسر و حرج است. نهادها و راه‌حل‌های ناظر به تدبیر امور و رفع حوایج دنیوی نظیر عقود و ایقاعات، تولید و اشتغال و توسعه اقتصادی در این طبقه قرار می‌گیرند. تحسینات به آن دسته از هنجارها و ارزش‌ها گفته می‌شود که موجب توسعه‌ی مکارم اخلاق و بسط محاسن عادات و زیبایی بخشی بیشتر به زندگی فردی و اجتماعی می‌گردد. ناگفته پیداست که همه این ارزش‌ها و هنجارها تنها در بستری حمایت شده، توسعه یافته و مورد اعتماد به نام محیط زیست قابل تأمین و تداوم هستند. محققان مسلمان از زاویه‌ای دیگر مصلحت را به سه دسته تقسیم کرده‌اند: مصالح معتبر، مصالح ملغی و مصالح مرسل (المستصفی من علم الأصول/۳۷۶-۳۷۸؛ أصول الفقه الاسلامی/۷۵۲/۲-۷۵۴). اعتبار قسم اول و بی اعتباری قسم دوم، مستند به نصوص و قواعد شرعی است. قسم سوم از قید اعتبار و الغا آزاد است. گرچه فی الجمله در چارچوب قواعد و مقاصد عمومی شرع قابل قبول می‌تواند باشد. لزوم حفظ محیط زیست مستند به نصوص و قواعد و مقاصد شرعی است لذا حمایت از آن در واقع حمایت از مصالح معتبر و یا دست کم مصالح مرسل محسوب می‌شود. بسیاری از فقها تحت شرایطی حجیت مصالح مرسله را پذیرفته‌اند و برخی دیگر که آن را دلیلی مستقل نمی‌دانند، از باب سیاست شرعی یا أدله عقلیه دیگر مقتضای آن را قبول کرده‌اند (تخریج الفروع علی

الأصول/۳۲؛ التقرير و التحییر/۱۵۹/۳؛ الأصول العامه للفقہ المقارن/۴۰۳-۴۰۵). همچنین مطابق قاعده‌ی سدّ ذریعه، در صورتی که فعل مباحی به ظن غالب منجر به مفسده‌ای شود، آن فعل مباح باید منع شود، یعنی وسائل حکم مقاصد را خواهند داشت. وسائل محرّمات، حرام و وسائل طاعات و قریات به حکم مقصد خود، مستحب یا واجب خواهند بود. (إعلام الموقین/۱۳۵/۳؛ قواعد الأحکام فی مصالح الأنام/۱۸۴/۲). به عبارت دیگر مقدمه‌ی واجب، اجمالاً واجب و مقدمه‌ی حرام، حرام است (أصول الفقه/۱/۲۳۶-۲۴۶). بر این اساس دو نظریه‌ی مصلحت و سدّ ذریعه را می‌توان به عنوان مبانی نظری حمایت از محیط زیست و لزوم مقابله با عوامل تهدیدکننده‌ی آن معرفی نمود. به بیان دیگر از دیدگاه فقهی می‌توان حمایت محیط زیست را در چهارچوب نظریه‌ی مصلحت و مقابله با تهدیدات آن را بر مبنای تئوری سدّ ذریعه، طرح و تحلیل کرد. این مبانی آن گونه که پیداست مؤید قاعده‌ی نفی ضرر و اضرار یا نهی از آن‌هاست ولی به واسطه‌ی این که مفهومی گسترده‌تر و کارکردی مبنایی‌تر از قاعده‌ی لاضرر دارند، شایسته‌تر آن است که به جای قاعده‌ی اخیرالذکر، این گونه مفاهیم و معیارها به عنوان مبانی شرعی حمایت از محیط زیست و مقابله با تعرض به آن معرفی شوند.

ارجاع ارزش‌گذاری محیط زیست و ضرورت مقابله با آلاینده‌ها، به مبناهایی چون مصلحت و سدّ ذریعه اختصاصی به مذهب فقهی خاصی ندارد. البته تحلیل موضوع بر مبنای مذکور در چارچوب فقه مذاهب اهل سنت چندان دشوار نیست. ابهامی اگر باشد به مذهب امامیه بر می‌گردد. این ابهام ناشی از این است که نزد امامیه مصطلحات و معیارهایی چون مصلحت و سدّ ذریعه لفظاً چندان متداول نیستند. با این همه باید دانست که اولاً- نظریه‌ی مصلحت و سدّ ذریعه خود به نوعی با قواعدی چون لاضرر که امامیه به حق در تبیین مفهوم و تعیین مصادیق و مجاری آنها بسط مقال داده- اند، مرتبط می‌گردند. ثانیاً- در این مکتب فقهی احکام شرعی تابع مصالح و مفسد واقعی هستند و به تبع مصالح و مفسد و از راه اجتهاد مستمر می‌توان به تعمیم احکام و

طرح فتاوی و دیدگاه‌های تازه پرداخت و موضوعاتی مانند محیط زیست را تحت حمایت فقه در آورد. ثالثاً- مفاد نهادهایی مثل مصلحت و سدّ ذریعه خواه با حفظ همین اصطلاحات و خواه از طریق تحلیل به مفاهیم یا درج در ذیل عناوین دیگر نظیر منطقه الفراغ، سیره‌ی عقلا، حکم حکومتی و مقدمه‌ی حرام دست‌کم نزد متأخران امامیه مقبول افتاده‌اند (بوادر المدرسه التقریبه/۱۹۰؛۲۱۰). بر این اساس باید گفت همه‌ی مذاهب فقهی به رغم خلفی که در لفظ یا اصطلاح یا روش تحلیل مسایل دارند، مفهوماً مبنی یا مبناهای مشترک یا مقاربی برای محافظت از محیط زیست دارند.

۲-۳- حکم تکلیفی حفظ محیط زیست و اثر وضعی تعرض به آن

مبنای فقهی ارزش‌گذاری محیط زیست هرچه باشد، حکم تکلیفی حمایت از این محیط و جوب و حکم تعرض به آن حرمت است. نظریه‌های مصلحت و سدّ ذریعه که حفظ مقاصد شرع را واجب و تعرض به آن‌ها را حرام می‌دانند به چنین نتیجه‌ای منتهی می‌گردند. چه محیط زیست به شرحی که گفته شد در چارچوب مقاصد شرع ارزش‌گذاری می‌شود و حفظ مقاصد، واجب و نقض آن‌ها حرام است. قاعده‌ی لاضرر - خصوصاً تبیینی که مفاد این قاعده را نهی از ایراد ضرر می‌داند- در کنار این قاعده‌ی اصولی که نهی را حقیقت در حرمت می‌شمارد نیز این نتیجه را بدست می‌دهد که ایراد ضرر به محیط زیست مورد نهی شارع واقع شده و از دیدگاه فقهی حرام است. حکم حرمت علاوه بر استدلال اصولی از راه استناد به دلایل منقول هم به دست می‌آید؛ در باره‌ی این دلایل بعد از این بیشتر بحث خواهیم کرد.

در چارچوب همین مبانی می‌توان گفت که از نقطه نظر فقهی اثر وضعی تصرفات زیانبار در محیط زیست بطلان و لزوم جبران زیان‌های به بار آمده خواهد بود. تصرف زیانباری که در موازنه‌ی مصالح، توجیه مشروعی برای ترجیح آن در دست نباشد و مصالح برتری را تأمین ننماید یا مفسد عامی را دفع نکند، باطل است و پر

واضح است که عمل باطل علاوه بر عدم ترتب آثار، سبب الزام عامل به جبران خسارات وارده و تدارک مافات نیز می‌گردد.

۲- آلودگی محیط زیست و دلایل لزوم مقابله با در فقه اسلامی

هر آنچه توازن طبیعی محیط زیست را بر هم زند و تغییری نامطلوب در ویژگی‌های فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی آب، هوا، یا زمین ایجاد کند به نحوی که تهدیدی برای سلامت و بقای انسان و دیگر موجودات زنده به شمار آید، آلاینده محسوب می‌شود (آلودگی محیط زیست/۱۱). در تحلیل اسلامی آلوده کردن محیط زیست از مصادیق فساد مورد نظر در آیهی ذیل می‌تواند باشد؛ *ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ* (روم/۴۱) (تباهی و خرابی در دریا و خشکی نتیجه‌ی کارهایی است که مردم انجام داده‌اند. خداوند نتیجه‌ی ناخوشایند برخی از کارهایی که انجام داده‌اند را بدیشان می‌چشاند؛ شاید که به راه راست برگردند.) آیهی مورد اشاره سه نکته‌ی مهم در بر دارد: اذعان به وقوع بالفعل آلودگی و تباهی در محیط زیست و وجود خلل در توازن طبیعی آن، انتساب فساد در محیط به اقدامات انسان و این که رنج‌ها و سختی‌های موجود در زندگی انسان، نتیجه‌ی اعمال خود اوست.

در فرهنگ اسلامی فساد معنای وسیعی دارد. خارج شدن هر چیزی از حد اعتدال را فساد می‌نامند. فساد ضد صلاح است و در مورد نفس و بدن و همه‌ی امور و آشیایی که از حالت استقامت خارج شده‌اند، به کار برده می‌شود (لسان‌العرب/۳/۳۳۵-۳۳۶؛ المفردات/۶۳۶). بنابراین فساد مفهومی است که علاوه بر در بر گرفتن گناهان مشهور، همه‌ی مضرات از جمله کارهای مضر نسبت به محیط زیست را نیز در بر می‌گیرد. از دیدگاه اسلام آلودگی با همه‌ی اشکال آن حرام است آیات و احادیث و قواعد ذیل این مدعا را تأیید می‌کنند:

۴-۱- تغییر خلقت که از جمله مظاهر آن آلودگی محیط زیست است در اسلام مورد نهی واقع شده و از اعمال شیطان به شمار آمده است. شیطان عهد کرده است بندگان خدا را به تصرفات زینبار در طبیعت دعوت کند: *وَلَا ضَلَّيْنَهُمْ وَ لَا مَمْنِيْنَهُمْ وَ لَا مَرْئِيْنَهُمْ فَلْيُبْتَئَنَّ اَازَانَ الْاَنْعَامِ وَ لَا مَرْئِيْنَهُمْ فَلْيَغِيْرَنَّ خَلْقَ اللّٰهِ (نساء/۱۱۹)* (و حتماً آنان را گمراه می‌کنم و به دنبال آرزوها و خیالات روانشان می‌گردانم و بدیشان دستور می‌دهم گوش‌های چهارپایان را قطع کنند و وضع طبیعی مخلوقات خداوند را دگرگون کنند). هر چیزی در جهان هستی با یک فطرت و خلقت سلیم و متوازن خلق شده است. بی‌گمان تبدیل آب، هوا و خاک پاک به عناصری آلوده و زینبار و تبدیل محیط طبیعی آرام و پاکیزه به محیطی پر از اضطراب و آلودگی، یک نوع تغییر خلقت محسوب می‌شود.

۴-۲- پیامبر(ص) از آزار و اذیت و إضرار شخص به خود و دیگران نهی فرموده است: *المسلم من سلم المسلمون من لسانه و يده: مسلمان کسی است که دیگر مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند (الجامع الصحيح المختصر/۱/۱۳؛ سنن ابی داود/۲/۳۱۲؛ سنن البيهقي الكبرى/۱۰/۱۸۷). لا ضرر و لا ضرار في الاسلام: اسلام اضرار به خود و دیگران را نفی می‌کند (سنن ابن ماجه/۲/۷۸۴؛ مسند أحمد بن حنبل/۳۷/۴۳۸؛ سنن الدار قطنی/۳/۷۷؛ مکارم شیرازی، القواعد الفقهیه/۱/۲۹-۴۲؛ بجنوردی، القواعد الفقهیه/۱/۲۰۷؛ سنن البيهقي الكبرى/۶/۶۹). ایجاد آلودگی موجب اذیت و آزار و ورود آسیب به موجودات از جمله انسان است. بنابراین رفتارهای آلوده‌کننده‌ی محیط زیست از دیدگاه احادیث مورد اشاره مردود هستند.*

۴-۳- محیط زیست سالم و متوازن از جمله‌ی نعمت‌های خداوند است که به بندگان عطا فرموده و آلوده نمودن و از بین بردن آن، بی‌آن‌که مصلحتی برتر آن را توجیه کند، تبدیل نادرست نعمت خداوند محسوب می‌شود که مطابق آیه‌ی: *مَنْ يُبْدِلْ نِعْمَهُ اللّٰهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللّٰهَ شَدِيْدُ الْعِقَابِ (بقره/۲۱۱)* (هر که نعمت خدای را دگرگون کند، پس از آن که به وی عطا شد بداند که بی‌گمان خداوند او را سخت عقاب خواهد

کرد.) چنان که در علم اصول آمده است هشدار نسبت به انجام عملی و وعده‌ی مجازات به عاملان آن دلیل بر حرمت آن عمل است (المستصفی من علم الأصول/۲۸/۱؛ أصول الفقه الاسلامی/۸۱/۱؛ تحریرات فی الأصول/۸۹/۶).

۴-۴ - اسراف و زیاده‌روی در استفاده از عناصر و منابع محیط زیست که یکی از علل مهم آسیب‌های جبران‌ناپذیر وارده به آن است در اسلام شدیداً مورد نهی واقع شده است: کُلُوا و اشْرَبُوا و لَاتُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (اعراف/۳۱) (بخورید و بنوشید و زیاده‌روی نکنید. بی‌گمان خداوند زیاده‌روی کنندگان را دوست نمی‌دارد.) در ذم اسراف همین امر کافی است که خداوند در قرآن کریم فرموده است که آنان را دوست نمی‌دارد (انعام/۱۴۱؛ اعراف/۳۱). علاوه بر این احادیث فراوانی نیز در مورد مذمت و حرمت اسراف آمده است (سنن ابن ماجه/۱۴۶/۱؛ سنن البیهقی الکبری/۷۹/۱؛ مسند أحمد بن حنبل/۲۷۷/۱۱).

۴-۵ - آلوده کردن محیط زیست بعضاً مستقیم یا غیر مستقیم؛ یکباره یا تدریجاً منجر به مرگ انسان‌ها می‌شود که به موجب آیه‌ی: مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا (مائده/۳۲) (هرکس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در زمین بکشد، چنان است که همه‌ی انسان‌ها را کشته باشد و هرکس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که همه‌ی مردم را زنده کرده باشد)، در زمره‌ی بزرگ‌ترین گناهان یعنی قتل قرار می‌گیرد و بر قاعده‌ی فقهی ما اَدَى إِلَى الْحَرَامِ فَهُوَ حَرَامٌ، حرام منطبق می‌گردد (قواعد الأحکام فی مصالح الأنام/۱۸۴/۲).

۴-۶ - فراتر از این، به گونه‌ای اصولی‌تر می‌توان گفت؛ که آلودگی و تخریب محیط زیست در حقوق اسلامی جرم و قابل مجازات است. در این نظام حقوقی جرم به ممنوعیت‌های شرعی گفته می‌شود که شارع با تعیین حد یا تعزیر، افراد را از انجام آن‌ها بازداشته است (الأحکام السلطانیة/۲۸۵). از دیدگاه فقهی هر عمل حرامی که مستوجب حد یا قصاص یا دیه یا کفاره نباشد، مستوجب تعزیر است (الأحکام السلطانیة/۳۱۰؛ إعلام

الموقعین/۱۱۸/۲؛ المغنی/۳۲۴/۱۰؛ مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام/۵۳۵). جرائم تعزیری گسترده‌ی وسیعی دارند، اقدامات علیه محیط زیست به سادگی در این گستره‌ی وسیع قرار می‌گیرند. علمای اسلام می‌گویند: «إِنَّ اللَّهَ لِيَزَعَ بِالسُّلْطَانِ مَا لِيَزَعَ بِالْقُرْآنِ: خداوند اموری را توسط حاکم منع می‌نماید که توسط قرآن منع ننموده است». (الجامع لأحكام القرآن/۳۲۵/۶؛ البدایه و النهایه/۱۲/۲؛ الطرق الحکمیة/۳۸۴). جرم‌انگاری اقدام علیه محیط زیست و محاکمه و مجازات عاملان آن را می‌توان از جمله‌ی این امور به حساب آورد. تعزیر متعرضان به محیط زیست حسب ضوابط فقهی از سبک‌ترین مجازات‌ها آغاز می‌شود و به سنگین‌ترین آنها منتهی می‌گردد؛ اندرز، اخطار، جزای نقدی، تازیانه، تبعید، حبس و حتی اعدام (المغنی/۳۲۴/۱۰؛ مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام/۵۳۵).

۵- مصداق‌های آلودگی و موضع‌گیری‌های اسلامی

آلودگی‌ها عبارتند از تغییرات نامطلوب در منابع و عناصر محیط زیست که از نظر مصداقی در آب، هوا و خاک مشاهده می‌شود و برخی از آلودگی‌ها بدون آن که ملموس باشند، محیط زیست را به زیان موجودات تغییر می‌دهند، آلودگی صوتی و آلودگی توسط مواد پرتوزا از مصداق این نوع هستند. تفصیل مطلب در تحلیل اسلامی به شرح زیر است:

۵-۱- آلودگی آب: آلودگی آب عبارت است از تغییر مواد محلول یا معلق یا تغییر درجه حرارت و دیگر خواص فیزیکی و شیمیایی و بیولوژیکی آب در حدی که آن را در مصرفی که برای آن مقرر است مضرّ یا غیر مفید سازد. آلودگی آب از اولین موضوعاتی است که دانشمندان و متخصصان محیط زیست بدان پرداخته‌اند. کارشناسان پیش‌بینی کرده‌اند که در آینده مخاصمات بین‌المللی شدیدی، بر سر نحوه‌ی تقسیم منابع آب شیرین روی خواهد داد.

قرآن کریم در چندین آیه درباره‌ی آب و اهمیت آن در حیات موجودات زنده سخن گفته است به عنوان مثال می‌فرماید: وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا (انبیاء/۳۰) (و هرچیز زنده‌ای را از آب آفریدیم.) اسلام بر حفاظت از آب در برابر آلودگی تأکید زیادی نموده است. از جمله این که پیامبر(ص) در احادیث متعدد از آلوده نمودن آب نهی صریح فرموده‌اند (التاج الجامع/۸۲/۱). مطابق قواعد علم اصول مادام که قرینه‌ی صارفه‌ای وجود نداشته باشد، نهی از امری دلالت بر تحریم آن می‌نماید (تحریرات فی الأصول/۲۳۱/۳؛ أصول الفقه الاسلامی/۸۱/۱). آلودگی‌های موضوع احادیث محدود و موردی هستند ولی با أخذ به وحدت ملاک درمی‌یابیم که آلوده کردن آب از طریق ریختن انواع مختلف آلاینده‌های مستحدث که موجب تغییر شدیدتر و بسیار مضرتر از آلودگی‌های مذکور در احادیث می‌شوند به طریق اولی ممنوع و محرم هستند.

اسراف در مصرف آب نیز از عواملی است که منابع آبی را در معرض خطر شدید کاهش قرار می‌دهد. احادیث موثقی وجود دارند دال بر این که پیامبر(ص) از اسراف در مصرف آب منع فرموده‌اند (شراعی الإسلام/۲۴/۱؛ الجامع الصحیح/۱۷۷/۱؛ سنن البیهقی الکبری/۱۹۵/۱؛ سنن الدار قطنی/۹۴/۱؛ مسند أحمد بن حنبل/۲۶۰/۳۶، ۱۴۷/۴۳؛ سنن ابن ماجه/۱۴۶/۱؛ مسند أحمد بن حنبل/۲۷۷/۱۱).

۵-۲- آلودگی هوا: هوای پاک، بی رنگ و بی بو و ترکیبی از حدود صد عنصر از جمله ۷۸٪ نیتروژن و ۲۱٪ اکسیژن است. تغییر رنگ و بو و ترکیب عناصر هوا دلالت بر آلودگی آن دارد. پژوهش‌ها تأکید دارند بر این که سبب اصلی بسیاری از بیماری‌ها آلودگی هواست. مشهورترین این بیماری‌ها، بیماری‌های دستگاه تنفس، سرطان ریه و بیماری‌های چشم و اعصاب است (التلوث البيئي/۱۶۵؛ الإنسان و البيئه و التلوث البيئي/۱۱۷). آلودگی هوا از راه باران‌های اسیدی باعث آلودگی آب و خاک نیز می‌شود و در نتیجه قدرت رویش نباتات از خاک تا حد زیادی کاهش یافته و در نهایت باعث از بین رفتن جنگل‌ها و مراتع می‌گردد. همین آلودگی باعث می‌شود که ضخامت لایه ازن کاهش یافته و بر اثر آن اشعه‌های سرطان‌زای ماورای بنفش به زیست کره برسند و آثار مخرب

زیادی بر محیط زیست و موجودات زنده بر جای گذارند. آلودگی هوا با ایجاد غلافی همانند پوشش پلاستیکی گلخانه‌ها مانع خروج گرمای مازاد حاصل از تابش نور خورشید به کره‌ی زمین می‌شود که خود منجر به پدیده‌ی گازهای گلخانه‌ای شده و موجب افزایش دمای کره‌ی زمین و ذوب یخ‌های قطبی و رفتن خشکی‌های به زیر آب می‌گردد. (التلوث البيئي/ ۱۷۱-۱۹۱؛ الانسان و البيئه و التلوث البيئي/ ۱۲۰).

بر اساس یک قاعده فقهی که جواز هر نوع دخل و تصرف و استفاده از مباحات عامه را مقید به شرط سلامت می‌داند و با استناد به آن مسایل فرعی متعددی حل و فصل شده است (الهدایه/ ۱۴۲/۴)، می‌توان گفت همه‌ی رفتارهای منجر به آلودگی هوا که از مباحات عمومی محسوب می‌شود، از لحاظ فقهی ممنوع و موجب ضمان یا مسئولیت مدنی و حتی جزایی است. فقهای مذاهب مختلف بر همین مبنی تمامی اقدامات منتهی به انتشار دود و بخار و گرد و غبار و بوهای نامطبوع را حرام و حاکم را ملزم به مداخله و ازاله‌ی آن‌ها دانسته‌اند (الهدایه/ ۱۴۰/۴؛ مکارم شیرازی، القواعد الفقهیه/ ۱۰۳/۱؛ بلغه السالک/ ۳۰/۳-۳۱؛ منح الجلیل/ ۴۸۶/۳؛ فتح‌التدیر/ ۳۲۷/۷؛ درر الحکام/ ۲۲۲/۳؛ رد المحتار/ ۲۳۷/۵؛ المغنی/ ۲۰۲/۶؛ نهایه‌الرتبه فی طلب الحسبه/ ۲۲).

۵-۳- آلودگی صوتی: به طور کلی به هر چه که نوع آدمی مایل به شنیدن آن نیست آلودگی صوتی گفته می‌شود (مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی- محیط زیست/ ۱۸۵). محققان معتقدند که آلودگی صوتی مداوم، موجب بروز بیماری‌های بسیاری است؛ به دستگاه عصبی فشار وارد آورده و سبب ایجاد اضطراب و استرس در افراد می‌شود و خلل‌هایی در مغز و نحوه‌ی اندیشیدن انسان‌ها ایجاد می‌نماید (آلودگی صوتی/ ۲۶-۳۱).

اسلام مردم را به نرمی و اعتدال و آرامش در همه‌ی امور زندگی دعوت می‌کند. ایجاد آلودگی صوتی به طور کلی با فرهنگ و ادب اسلامی منافات دارد. آیات و احادیث فراوانی دلالت دارند بر این که پسندیده است فرد مسلمان در همه‌ی امور زندگی رفتارهای توأم با آرامش و سکینه و وقار داشته و با صدایی در حد متوسط یا پایین سخن بگوید و **أَقْصِدْ فِي مَشِيكِ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ** (لقمان/ ۱۹) (در راه رفتن

اعتدال را رعایت کن و از صدای خود بکاه). آیات حجرات/۲-۴، انفال/۳۵ و أسراء/۱۱۰ نیز در همین راستا هستند. پیامبر(ص) فرموده‌اند: إِنَّ اللَّهَ رَفِيقٌ يَحِبُّ الرَّفْقَ فِي الْأَمْرِ كُلِّهِ. (خداوند ملایم است و ملایمت را در هر کاری دوست دارد) (الجامع الصحیح المختصر/۶/۲۵۳۹؛ الجامع الصحیح/۸/۲۲؛ سنن ابی داود/۴/۴۰۲). خطاب به کسانی که با صدای بلند تکبیر گفته‌اند، فرموده‌اند: ای مردم آرام باشید؛ صدایتان را پائین بیاورید؛ شما خدایی را فرامی‌خوانید که شنوا و نزدیک است (الجامع الصحیح المختصر/۴/۱۵۴۱؛ الجامع الصحیح/۸/۷۳؛ سنن البیهقی الکبریٰ/۲/۱۸۴؛ مسند أحمد بن حنبل/۳۲/۵۲۲). فقها فتاوایی دال بر ممنوع بودن ایجاد آلودگی صوتی صادر کرده‌اند؛ از جمله ساخت اصطلب و آسیاب و کارگاه آهنگری را در جایی که موجب آزار و اذیت دیگران شود، ممنوع اعلام نموده‌اند (المغنی/۵/۵۲؛ تبصره الحکام/۲/۳۱۲-۳۲۱، ۳۴۹-۳۵۴؛ بلغه السالک/۳/۴۸۶).

۵-۴- آلودگی ناشی از مواد پرتوزا: به طور طبیعی مقداری مواد پرتوزا در طبیعت وجود دارد، اما دولت‌ها با انجام آزمایش‌های اتمی و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و بهره‌برداری از نیروگاه‌های هسته‌ای برای تولید انرژی برق و استفاده از این مواد در زمینه‌های پزشکی و علوم دیگر، با افزایش مقدار این تشعشعات به چند برابر میزان طبیعی، آلودگی هسته‌ای ایجاد نموده‌اند. مشهورترین اثرات این آلودگی‌ها عبارتند از: سرطان خون، پیری زودرس، کاهش قدرت دفاعی بدن در برابر بیماری‌ها، ایجاد بیماری‌های پوستی، ریزش مو و ناخن و تحت تأثیر قرار گرفتن مغز استخوان به گونه‌ای که تولید سلول‌های لنفاوی و گلبول‌های قرمز و سفید کاهش قابل ملاحظه‌ای پیدا می‌کنند (علوم تلوث البیئه/۲۵۰-۲۵۷). استفاده از تکنولوژی هسته‌ای مادام که مصالحی مشروع برای بشر تأمین کند، نظیر تولید انرژی و کمک به پیشرفت علم پزشکی و دیگر علوم در چارچوب نظریه‌ی مصالح قابل قبول است. در عین حال با عنایت به قاعده‌ی لاضرر باید حتی الامکان از بروز مضرات و مخاطرات آن از باب دفع مفسد که وجه دوم نظریه‌ی مصلحت است،

ممانعت به عمل آورد. از این رو علمای اسلام در نوزدهمین کنفرانس مجمع جهانی فقه اسلامی سال ۲۰۰۹ که یکی از موضوعات آن حفاظت محیط زیست از دیدگاه اسلام بود، در بند ۳ قطعنامه‌ی شماره ۱۸۵-۱۹/۱۱ به ضرورت خلع سلاح هسته‌ای کلیه‌ی کشورها دعوت نموده‌اند (سایت مجمع جهانی فقه اسلامی).

۵-۵- آلودگی خاک: خاک خارجی‌ترین لایه‌ی پوسته‌ی زمین است که از

مواد معدنی، مواد آلی، آب، هوا و ارگانسیم‌های زنده تشکیل شده است. خاک در تولید غذا، ذخیره و پالایش و انتقال آب نقش دارد و محل زندگی گونه‌های مختلف جانوری و گیاهی و منبع مواد خام است. خداوند درباره‌ی خاک می‌فرماید: مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَهُ أُخْرَى (طه/۵۵) (ما شما را از زمین آفریده‌ایم و بدان باز می‌گردانیم و بار دیگر شما را از آن بیرون می‌آوریم). آلودگی و تخریب خاک عبارت است از ایجاد هر تغییر فیزیکی یا شیمیایی در خاک طوری که دیگر نتواند نقش طبیعی خود را ایفا نماید (الإنسان و البيئه و التلوث البيئي/۱۷۵؛ التلوث البيئي/۲۳۰). انسان توسط برخی از فعالیت‌های خود همانند جنگل‌زدایی، تبدیل باغ‌ها و مزارع به کارخانه‌ها و مناطق مسکونی و جاده‌ها، آلوده نمودن خاک توسط کودها، آفت‌کش‌ها، فاضلاب‌ها، مواد شیمیایی، پسماندهای مواد پرتوزا، نفت و مشتقات آن، باعث تخریب خاک شده و قدرت رویاندن آن را کاهش داده و زمین‌های حاصلخیز زیادی را به کویر تبدیل کرده است.

فقها در راستای تحریم آلوده کردن خاک، بر منع شرعی و گاه ضمان مالی ذبح حیوان و درست کردن مزبله و نظایر این‌گونه اقدامات در محل‌های مسکونی تأکید نموده‌اند (درر الحکام/۲۲۴-۲۲۶؛ فتاوی الفقهیه الکبری/۶۴/۳؛ تحفه المحتاج/۳۹۶/۴؛ أسنی المطالب/۷۳/۴-۷۵؛ وسائل الشیعه/۲۹/۲۴۵، شرائع الاسلام/۱۰۲۷؛ مغنی المحتاج/۸۹/۴؛ حاشیه الجمل علی المنهج/۷۰۹/۹؛ حاشیه القلیوبی/۱۵۰/۴؛ ۱۸۹/۸). غالب آیات و احادیث و فتاوی که در قسمت‌های گذشته در خصوص ممنوعیت و حرمت ایجاد انواع آلودگی‌ها ذکر شد، تحریم آلودگی خاک را

نیز به نحوی در بر می‌گیرد. به علاوه اسلام با تشویق افراد به احیا و استفاده‌ی بهینه از زمین در جهت حفاظت از خاک، گام بزرگی برداشته است. پیامبر اکرم (ص) فرموده - اند: من أحيا أرضاً ميتة فهي له. (هر کس زمین بایری را آباد کند، مالک آن می‌شود) (تهذیب الأحکام/۱۵۲/۷؛۱۴۸/۷؛ الجامع الصحیح المختصر/۸۲۲/۲؛ سنن البیهقی الکبری/۱۴۱/۶؛ مسند أحمد بن حنبل/۱۳۵/۲۳).

از آن‌جا که آلوده نمودن و تخریب خاک از مصادیق فساد و ضرر و در تعارض با مقاصد شرع است می‌توانیم با استناد به این کلیات تحریم این رفتار را نتیجه بگیریم. همچنین از اموری که باعث فرسایش و تخریب خاک می‌شود. قطع درختان و جنگل‌زدایی است که در این رابطه احادیث فراوانی در نهی از قطع درختان و تشویق به کاشت آن وجود دارد. پیامبر (ص) فرموده‌اند: «ما من مسلم یغرس أو یزرع زرعاً فیاکل منه طیر أو انسان أو بهیمه إلا کان له به صدقه: هر مسلمانی درختی یا کشتی بکارد و از محصول آن، پرند یا انسان یا حیوانی بخورد، برای آن فرد صدقه محسوب می‌شود» (الجامع الصحیح المختصر/۸۱۷/۲؛ الجامع الصحیح/۲۷/۵؛ سنن البیهقی الکبری/۱۳۷/۶؛ الکافی/۲۶/۵؛ تهذیب الأحکام/۳۸۴/۴). نیز فرموده‌اند: «إن قامت الساعة و بید احدکم فسیله فإن استطاع أن لا یقوم حتی یغرسها فلیغرسها: اگر قیامت برپا شود و در دست یکی از شما نهالی بود، اگر توانست بلند نشود، تا آن را بکارد پس به این کار مبادرت نماید» (مسند أحمد بن حنبل/۲۹۶/۲۰؛ کنز العمال/۸۹۲/۳).

نتیجه

درگفتمان اسلامی هر آن چه ارزش تلقی شود و به نوعی با تداوم حیات مادی و معنوی بشر و بایسته‌ها و شایسته‌های چنین حیاتی ارتباط پیدا کند، در دایره‌ی مقاصد شریعت قرار می‌گیرد و بسته به درجه‌ی اهمیتی که دارد، در یکی از سطوح سه‌گانه‌ی مصالح یعنی ضروریات، حاجیات و تحسینیات رده‌بندی می‌شود. محیط زیست به واسطه‌ی ارتباط و ملازمه‌ای که با ارزش‌های دسته‌بندی شده در سه سطح مذکور دارد،

از ارزش و قابلیت بلکه وجوب حفظ و حمایت برخوردار می‌گردد و خود به عنوان یک مصلحت معتبر در ردیف مصالحی که تأمین و تداوم آنها مقصود شارع و وظیفه‌ی امت است قرار می‌گیرد. آن طور که اهل تحقیق گفته‌اند مصلحت دو وجه ایجابی و سلبی دارد. در جنبه‌ی ایجابی، جلب منافع و برنامه ریزی برای تأمین و توسعه‌ی آنها مورد لحاظ واقع می‌شود و در وجه سلبی، سد ابواب مفسد و اتخاذ تدابیر لازم برای مقابله با هر آن چه تهدید علیه مصالح عمومی به حساب آید، طرف توجه قرار می‌گیرد. بر این اساس ارزش‌گذاری و لزوم حمایت از محیط زیست بر وجه ایجابی مصلحت استوار می‌گردد و مقابله با آسیب‌ها و آلاینده‌های این محیط بر وجه سلبی آن قرار می‌گیرد. نظریه‌ی سد ذریعه هم در این باره کارساز است بر مبنای این نظریه هم می‌توان رویارویی با رفتارهای مضر به حال محیط زیست را موجه و مستدل نمود. در رهیافتی دیگر می‌توان لزوم حمایت از محیط زیست و منع تعرض به آن را به برخی از قواعد فقهی همچون قاعده‌ی لاضرر و قاعده‌ی تقدم دفع مفسد بر جلب منافع ارجاع داد. از این رویکردها و رهیافت‌ها وجوب حفظ محیط زیست و حرمت اقدام علیه آن را می‌توان نتیجه گرفت؛ چنان‌که بطلان و ضمان‌آور بودن رفتار زیانبار علیه آن را می‌توان به دست آورد. چنان‌که در مقدمه اشاره شد حفظ موازنه مصالح در این بحث مفروض است. یعنی قاعده اولیه این است که محیط زیست بذاته یک ارزش است و حفظ آن در شرایط عدم برخورد با دیگر ارزشها لازم؛ در فرض تراحم این ارزش با ارزشهای فروتر و یا حتی برابر، حفظ محیط زیست تقدم دارد؛ تنها در فرض برخورد با مصالح برتر از باب رخصت و البته به اندازه حاجت می‌توان متعرض این ارزش شد.

در هر حال امروزه با تأکید تمام باید بر این باور بود که می‌توان با تکیه بر ظرفیت‌های فقه اسلامی و عناصر و مایه‌های فرهنگی این آیین جهان شمول، در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی به محافظت پایدار و همه‌جانبه از محیط زیست و مقابله مستمر و

مدیریت شده با هر نوع تهدید و تعرض علیه آن پرداخت و در تلاش‌های در حال انجام در این حوزه، نقشی فعال بلکه پیشرو بر عهده گرفت.

منابع

- آلوسی، محمود، **روح المعانی**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ابن امیر الحاج، شمس الدین، **التقریر و التحبیر**، بی جا، دار الکتب العلمیه، ۱۹۸۳م.
- ابن حجر الهیثمی، **الفتاوی الفقهیه الکبری**، بیروت، دار الفکر، بی تا.
- ابن حجر الهیثمی، **تحفه المحتاج شرح المنهاج**، بیروت، احیاء التراث العربی، بی تا.
- ابن عابدین، محمد امین، **رد المحتار علی الدر المختار**، بیروت، دار الفکر، ۱۳۸۶.
- ابن فرحون، ابراهیم، **تبصره الحکام**، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۹۵م.
- ابن قدامه المقدسی، عبدالله بن احمد، **المغنی**، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۵ق.
- ابن قیم الجوزیه، شمس الدین، **الطریق الحکمیة**، قاهره، مطبعه المدنی، بی تا.
- —————، **اعلام الموقعین**، بیروت، دار الجیل، ۱۹۷۳م.
- ابن کثیر، ابوالفدا اسماعیل، **البدایه و النهایه**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۸م.
- ابن ماجه، محمد، **سنن ابن ماجه**، بیروت، دار الفکر، بی تا.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت، دار الصادر، ۱۴۱۴ق.
- ابو حیان الأندلسی، محمد، **البحر المحیط**، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۱م.
- ابو داود، سلیمان بن أشعث، **سنن أبي داود**، بیروت، دار الکتب العربی، بی تا.
- احمد بن حنبل، **مسند أحمد بن حنبل**، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۲۱ق.
- الأنصاری، زکریا، **أسنی المطالب**، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
- بجنوردی، سید حسن، **القواعد الفقهیه**، قم، انتشارات الهادی، ۱۴۱۹ق.
- البخاری، محمد بن اسماعیل، **الجامع الصحیح المختصر**، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۹۸۷م.
- بهرام سلطانی، کامبیز، **مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی - محیط زیست**، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۱.
- بیهقی، احمد بن حسین، **سنن البیهقی الکبری**، مکه، دار الباز، ۱۹۹۴م.
- تسخیری، محمدعلی، **بوادر المدرسه التقریبیه**، طهران، المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه، ۱۴۳۰ق.

- الجمل، سلیمان، **حاشیه الجمل علی المنهج**، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ق.
- حکیم، سید محمد تقی، **الأصول العامه للفقہ المقارن**، بیروت، دار الأندلس، ۱۹۶۳م.
- حلی (محقق)، جعفر بن حسن، **شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، تهران، انتشارات استقلال، ۱۴۰۹ق.
- حیدر، علی، **درر الحکام شرح مجله الأحکام**، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا.
- خمینی، سید مصطفی، **تحریرات فی الاصول**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۶.
- الدارقطنی، علی، **سنن الدارقطنی**، بیروت، دار المعرفه، ۱۹۶۶م.
- دیری، مینو، **آلودگی محیط زیست**، تهران، نشر اتحاد، ۱۳۷۵.
- رابع اصفهانی، حسین بن محمد، **المفردات فی غریب القرآن**، دمشق، دار القلم، ۱۴۱۲ق.
- الزحیلی، وهبه، **أصول الفقه الاسلامی**، دمشق، دار الفكر المعاصر، دار الفكر، ۲۰۰۴م.
- زنجانی، محمود، **تخریج الفروع علی الأصول**، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۳۹۸ق.
- **سایت مجمع جهانی فقه اسلامی**، <http://www.fiqhacademy.org.sa>
- السویدان، حسن، **علوم تلوث البیئنه**، بی جا، دار الخریجی، ۱۹۹۷م.
- الشاطبی، ابراهیم، **الموافقات**، بی جا، ابن عفان، ۱۹۹۷م.
- الشربینی، محمد الخطیب، **مغنی المحتاج**، بیروت، دار الفكر، بی تا.
- الشوکانی، محمد، **فتح القدیر**، لبنان، دارالفکر، بی تا.
- شهابی، محمود، **رساله لاضرر**، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۰.
- الشیزری، عبدالرحمن، **نهایه الرتبه فی طلب الحسبه**، بیروت، دار الثقافه، بی تا.
- الصاوی، أحمد، **بلغه السالك لأقرب المسالك**، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۹۵م.
- صدوق، محمد بن بابویه، **الخصال**، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، بی تا.
- طباطبایی، سیدمحمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، جامعه مدرسین، بی تا.
- طوسی (شیخ الطائفه)، ابو جعفر محمد بن حسن، **تهذیب الأحکام**، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵ق.
- عبدالرزاق، ابوبکر بن همام، **مصنف عبدالرزاق**، بیروت، المكتب الاسلامی، ۱۴۰۳ق.
- عز بن عبدالسلام، عز الدین، **قواعد الأحکام فی مصالح الأنام**، بیروت، دار المعارف، بی تا.
- علی ناصف، منصور، **التاج الجامع لاصول الأحادیث**، بیروت دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۶ق.
- علیش المالکی، محمد، **منح الجلیل شرح مختصر الخلیل**، لبنان، دار الفكر، ۱۴۰۹ق.
- غزالی، محمد، **المستصفی من علم الأصول**، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۹۹۷م.

- فیض، علیرضا، **مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام**، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵.
- القرضاوی، یوسف، **رعايه البيئه في شريعة الإسلام**، قاهره، دار الشروق، ۲۰۰۶م.
- قرطبی، محمد، **الجامع لأحكام القرآن**، ریاض، دار عالم الکتب، ۲۰۰۳م.
- القلیوبی، أحمد، **حاشیه القلیوبی علی شرح المحلی علی منهاج الطالبین**، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۹ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۸۸.
- ماوردی، ابو الحسن، **الأحكام السلطانيه**، کویت، دار ابن قتیبه، ۱۹۸۹م.
- مدکور، محمد سلام، **مباحث الحکم عند الاصولیین**، قاهره، بی نا، بی تا.
- المرغینانی، برهان الدین، **الهدایه بشرح البدایه**، قاهره، منشورات الحلبي، ۱۳۵۶.
- مسلم، حجاج، **الجامع الصحيح**، بیروت، دار الجیل، دار الآفاق الجدیده، بی تا.
- مظفر، محمد رضا، **أصول الفقه**، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.
- مکارم شیرازی، ناصر، **القواعد الفقیهیه**، اصفهان، مدرسه الإمام امیر المؤمنین، ۱۴۱۱ق.
- ملکوتیان، محمد، **آلودگی صوتی**، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد ایران، ۱۳۷۵.
- موسی، علی حسن، **التلوث البيئي**، بیروت، دار الفکر، ۱۴۳۱ق.
- مولایی، یوسف، **نسل سوم حقوق بشر و حق محیط زیست**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، د۳۷، ش ۴، ۱۳۸۶.
- وهبی، صالح، **الانسان و البيئه و التلوث البيئي**، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۲ق.
- الهندی، علی بن حسام الدین، **کنز العمال**، بی جا، مؤسسه الرساله، ۱۹۸۱م.